

در محضر قران کریم

استاد اخوت

مساجد تدبر محور- بهمن ۱۴۰۰ تا ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

جهت دریافت صوت جلسه می توانید از طریق آدرس زیر اقدام بفرمایید:

اولوالعلم | ۳۰-۱۱-۱۴۰۰ سلسله جلسات در محضر قرآن کریم (ololelm.ir)

انشالله همگی با سوره مبارکه فجر محشور شوید.

جمع‌بندی موضوعات گذشته

از سه ماه پیش تصمیم بر این شد که با دوستان مختلف جلساتی داشته باشیم و از اول بنا داشتیم عمومی باشد، گفتیم اول کمی دست‌ورزی کنیم و بینیم که می‌توانیم ورود کنیم یا خیر. جلسات ما پیرامون این موضوع بود که وقتی قرآن را می‌خوانیم باید بتوانیم آنچه را که بر دلمان می‌نشیند را به دیگران بگوییم. به همین دلیل هم بحث طولانی شد و بر روی چگونگی انجام آن رفتیم. از مشکلات زندگی ما این است که انسان خیلی چیزها را می‌فهمد ولی نمی‌تواند به دیگران انتقال دهد. دلایل مختلفی دارد ولی اصل مشکل در این است که این را تعریف نکرده‌ایم که بخواهیم به دیگران انتقال دهیم. خوبی‌ها با همین گفتن‌ها تکثیر می‌شود. خوبی‌ها با دعوت به خیر اتفاق می‌افتد. باید دعوت‌ها انجام شود تا روحیه آدم‌ها تغییر کند.

سوره مبارکه کوثر را انتخاب کردیم و بنا شد این سوره را در کل قرآن خوانده شود تا وصف پیامبر را دریاورند. بنا شد هر کسی برای پیامبر کاری انجام دهد که کارهایی انجام شد و بعد وارد سوره احزاب شدند.

این کار در ارتقاء سطح باورمندی مردم خیلی تاثیر دارد. الان در مورد هر موضوعی از دین که صحبت شود در مورد کل دین صحبت شده است. و خیلی خوب است که برویم روی ریشه‌ها.

این مسیر را تا عملیاتی شدن ادامه دهیم.

استعدادشناسی

یکی از مباحث مهم برای نسل جوان موضوعی است به نام موضوع استعدادشناسی و شناخت استعدادها برای او خیلی مهم شده است و این به واسطه برکت‌هایی است که در جامعه به واسطه نور شهدا اتفاق افتاده است و استعدادشناسی خیلی موضوع مهمی است که افراد باید در مسیر آن قرار گیرند.

واژه مناسب برای استعداد فضل است. خداوند به برخی از افراد فضل می‌دهد یعنی اینها برتری‌هایی به برخی دیگر دارند. بحث قرآنی ما فضل است. از منظر فضل می‌خواهیم استعدادشناسی را بررسی کنیم.

دوستانی که قصد دارند این جلسات را پیگیری کنند یک بازه شش ماهه را در نظر بگیرند. هر هفته یک ساعت را برای این بحث کنار بگذارند. یک ساعت متمرکز که ترجیح بر نیمه‌شب‌هاست. می‌تواند تبدیل به دو نیم ساعت یا چهار ربع ساعت شود هر شب انجام شود.

کار شما یک خلوت شبانه است و ما به این خلوت‌ها نیاز داریم هر چقدر که فرد جوان‌تر است به این خلوت‌ها نیاز دارد، چون ذهن پر از دغدغه و آروزهاست. اینکه هر هفته تا شش ماه به صورت مستمر خلوت شبانه داشته باشید خیلی مهم می‌شود با اینکه ممکن است برای کسانی سخت باشد.

ما در این شش ماه می‌خواهیم ببینیم استعداد چیست و ما در چه زمینه‌هایی استعداد داریم.

انتخاب سوره

سوره‌هایی که با تسبیح شروع می‌شوند را بررسی خواهیم کرد.

سوره‌های مسبحات + سوره‌های اعلی و اسراء

البته فقط روی این سوره‌ها نمی‌مانیم اما مطلبی که پیدا می‌کنیم و طهارتی که بدست می‌آوریم و حقایقی که بر جان ما می‌نشیند از این سوره‌هاست. این سوره‌ها در روایات به طور خاص مربوط به امام زمان می‌شود. در مورد سوره اسراء که دقیقاً روایت مستقیم داریم که اگر هر کسی سوره اسراء را شب‌های جمعه بخواند حتماً امام زمان را درک می‌کند. در مورد سوره‌های مسبحات هم گفته شده است که هر کسی که سوره‌های مسبحات را بخواند در یاری امام زمان و خدمت به ایشان مهم است. خیلی‌ها با این سوره‌ها انس داشته‌اید.

کلمه فضل که در سوره مبارکه نور بحث اولوالفضل را مطرح می‌کند از مهمترین کلماتی است که مسئولیت‌های اجتماعی با این افراد صاحب فضل است. برای فضل‌های اجتماعی می‌توان گفت علمداران جامعه در حوزه‌های مختلف هستند. فضل شبیه می‌شود به یک علمدار که خیلی اتفاق عجیبی بوده است که قمر بنی‌هاشم را ابوالفضل نامیدند و این تصادفی نبوده است. خیلی علمداری را یاد می‌دهد. کسی که استعداد خاصی دارد می‌تواند علم خاصی را بلند. مهمترین فضل‌ها فضل‌های معنوی هستند و فرد قدرت ذکر دارد و می‌تواند آنرا به دیگران القاء کند.

انتظار داریم هر کسی این مسیر را طی می‌کند خودش را به خوبی بشناسد و مسیر زندگی‌اش را خوب تبیین کند. انشالله از دل این بحث فرماندهان جبهه‌های مختلف برخیزند. اولوالفضل هستند که جامعه را باید به سمت هدایت ببرند.

تجربه کردم که سکوت‌های ممتد که احصاء شود حکمت‌آور است. سکوت داشتن به صورت متمرکز یک خلوت ممتد داشتن مدنظر است و در خود فرد خیلی چیزها پخته می‌شود.

رسانا بودن

دستاوردهای خود را از جلسات یا خلوت‌های شبانه را تبدیل به مطالب قابل انتقال کنید و آنرا به دیگران منتقل کنید.

سکوت و فضل و تسبیح

بالاترین استعدادی که خداوند به انسان داده است که عدل ندارد یعنی دومی ندارد و تک تک است و هر کسی که انسان است خدا به او این استعداد را داده است خدافهمی است. انسان خدا را می‌فهمد و غیر از بقیه موجودات می‌فهمد. به همین دلیل هم از بقیه موجودات متمایز است و بر همین اساس هم هست که غایت زندگی‌اش قرب الی‌الله است. همه شهدا فهمیدند استعداد لقاء الله دارند و خیلی از این افراد هم لقاء را فهمیدند.

شهدا حس عجیبی به خدا پیدا کردند. استعداد خدا فهمی همان استعدادی است که انسان را به قرب الهی می‌رساند و هر کسی را به نسبت درجات این فهم درجه می‌دهد و هر کسی دارد خوشا به حالش و کسی که خدافهم باشد نمی‌تواند گناه کند و به مرزهای عصمت می‌رسد و کسی که خدا فهم باشد به الهامات و وحی الهی دست پیدا می‌کند. اگر این استعداد کشف شود همه استعدادها را در خود می‌بلعد و هضم می‌کند که انسان می‌تواند عاشقانه به سمت او برود و از تنهایی دربیاید. وقتی این استعداد نباشد به دنبال نیازهایش در جای دیگر است. وقتی این استعداد هست همه چیز دایرمدار خواست خدا می‌شود و زندگی او حواله‌ای می‌شود و اینکه به کجا او را می‌فرستند. اینها می‌شود راه حکمت‌هایی که بر مبنای محبت است.

این هفت سوره را بررسی می‌کنیم. در سوره اسراء به واسطه آن چیزی که می‌بیند و می‌شنود توان‌های او را فعال می‌کند و این خاصیت سوره مبارکه اسراء که قوای درونی فرد را در اثر اتصال به خدا فعال می‌کند. در این شش ماه خیلی مهم است که مثل کسانی که از ولی خود ماموریت می‌گیرند ماموریت بگیریم. ما باید خدا را به وجه تسبیح بخوانیم. خدافهمی پایه و بنیادش تسبیح است. انشالله دور بعد به سراغ حمد می‌رویم بعد خدافهمی با حمد اتفاق می‌افتد. در حوزه تسبیح باید انسان به فکر پاکسازی درون باشد تا با این پاکی درون بتواند با حقایق سنخیت پیدا کند. پاک باشد تا نور در آن جاری شود. به همین دلیل با تسبیح شما خودتان را به او نزدیک می‌کنید. او منزّه است و باید برای رسیدن به او آلودگی‌ها را کنار گذاشت. از کارکرد سوره‌های مسبحات پاکسازی است.

محور اصلی بحث می‌شود تسبیح و نزدیک شدن به خدا و وجدان کردن او. به هر حال بعد از شش ماه می‌بینیم که استعدادمان را بیشتر شناخته‌ایم یا خیر.

حدود هشتاد ساعت در این دوره وقت می‌گذاریم و می‌گوییم می‌خواستیم چنین شود.

سوره مبارکه حدید

لازم است یک دور سوره کار شود.

در يك ساعت وقتی كه داريد روی اين موضوعات فكر كنيد:

۱. چرا خدا در اين سوره بحث ايمان و انفاق براي مهم بوده است؟
۲. ايراد خدا به مومنين در حوزه ايمان و انفاق در سوره چه بوده است و ايمان و انفاق ما چه آسيب‌هايی می‌تواند داشته باشد؟ (احساس كنيم آيات با ما هم هست)
۳. منظور از بخل كه خداوند در سوره اشاره می‌كند و خیلی هم آنرا مذمت کرده است چیست؟ آیا كارهايی كه انسان می‌تواند انجام دهد و نمی‌دهد را هم شامل می‌شود يا فقط صرف مال است؟ می‌توانم كار كسی را راه بندازيم؟ حقیقتی را انتقال دهم ولی نمی‌دهم. بخل چیست و چرا انسان‌ها دچارش می‌شوند. نكنند كه همان حوزه‌هايی كه بخل می‌ورزند همان جاهایی است كه استعداد دارند.
۴. فضلی كه در سوره گفته می‌شود چیست و چرا اهل كتاب فكر می‌كنند كه اين فضل را دارند و چه می‌شود كه برخی از مومنين اين فضل را از دست می‌دهند. (برای فهم فضل به تفسير می‌توانيد رجوع كنيد) فضل با اقامه قسط هم مرتبط می‌شود.
۵. همه اين حرف‌ها را كه گفتيم چه ربطی به آيات اول دارد؟

ترجیحا شب جمعه‌ها را با اين تفكر احیاء كنيد. در برخی شب‌ها ملائكه اضافه كاری دارند و به جای شما فكر می‌كنند. كافی است شما حاضر باشید و ملائكه حضور دارند و كافی است شما از كنارشان رد شوید... در اين ایام هم كه سیری است از روزهای خاص كه خط سیر نزول ملائكه است و شما می‌توانيد از امدادهای غیبی هم استفاده كنيد.

الان چون آماتور هستيم می‌گوئيم هر حرف حقی را بزويد ولی بعد كم كم بايد تنظيم كنيد كه چه بگوئيم و چه نگوئيم. بايد رسانایی فعال شود و بعد تنظيم شود. مومن تا سرّ دار نشود مومن نمی‌شود. اما بايد حتما چیزهايی باشد كه بتوان به آن سرّ گفت. بايد آنقدر داشته باشی كه هر چقدر هم سرريز می‌شود باز هم داشته باشی. انسان بايد علمش پر باشد.

انشالله كه اين دوام شش ماه در اين كار منجر به نتیجه می‌شود.

كاری كه الان انجام می‌دهيم محتوای كار بعدی می‌شود. كارهايی كه بر مبنای خدا انجام می‌شود خیلی خاطرخواه دارد. از خاطرخواه‌های مباحث توحیدی حضرت ابراهيم است و ایشان به گونه‌ای خاص كشته مرده توحيد است. وقتی می‌گوئيد خدا جان می‌دهد. انشالله نیروهای قدس را از بالا با خود داشته باشید تا قدس را آزاد كنيد.

دعایی می‌خواهم بكنم كه هيچ كسی نكرده است، انشالله كه در اولين فرصت همه اين جمع به ملاقات حضرت حجت برسيم صلوات.

شهيد مصطفی دشتيان :

شهید خیلی گمنامی است و کسی هم خیلی او را نمی‌شناسد. رفاقت خاصی با دوستانش داشت. عشق و ارادت ویژه‌ای به حضرت زینب داشت. در رابطه بین امام حسین و حضرت زینب گیر کرده بود و این برایش خیلی عجیب بود. به همین دلیل قدرت عاطفی خیلی زیادی داشت. عاشق مسجد بود و نمازهایش در سه وقت همه در مسجد بود. خیلی مقید به مسجد رفتن بود. به نماز صبح خیلی مقید بود و خیلی اهل درس و کتاب نبود. خیلی اهل اشک بود. جذبه محبت شدیدی که داشت منجر می‌شد کسی خیلی نتواند در صورتش نگاه کند.